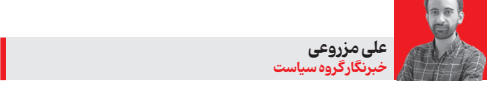


مصاحبهٔ عراقچی با فاکس نیوزروی مخاطب ایرانی و آمریکایی احتمالاً اثر متفاوت داشته است

پاسخ‌های آبکی



دیپلماسی رسانه‌ای یکی از ابزارهای کلیدی در سیاست خارجی مدرن است که به دولت‌ها امکان می‌دهد مستقیماً با افکار عمومی کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنند. در مورد ایران، این رویکرد به‌ویژه در مواجهه با ایالات متحده که روابط دیپلماتیک مستقیم با آن قطع است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مصاحبه عراقچی با فاکس نیوز، شبکه‌ای که به دلیل نزدیکی به دونالد ترامپ و پایگاه محافظه‌کار آن شناخته می‌شود، تلاشی برای انتقال پیام ایران به مخاطبانی بود که به‌طور سنتی با سیاست‌های ایران خصوصت دارند.

عراقچی در این مصاحبه با سسؤالانی چالشی مواجه شد که البته کاملاً هم قابل پیش‌بینی بود. هر زمانی که یک مقام ایران در مقابل دوربین یک رسانه غربی قرار می‌گیرد مجری مانند یک بازجو یا او وارد مصاحبه می‌شود؛ اما آنچه اهمیت دارد نوع پاسخ‌هاست که می‌تواند با انداختن توپ در زمین طرف مقابل، جایگاه احتملی متهم را به شاکی تغییر داده و یا با افتادن در تله پاسخ به اتهامات بی‌پایان موضع تهاجمی طرف مقابل را تقویت کند. تا به اینجای کار هم مسعود پزشکیان در مصاحبه با تاکر کارلسن و هم عباس عراقچی در مصاحبه با فاکس نیوز با مفروض گرفتن یک دیوار بین مخاطب داخلی و خارجی به این اشتباه دچار شده و اظهاراتی داشته‌اند که مهم‌ترین اثرش انتقال کانون عملیات روانی از آمریکا به ایران بوده است.

بین مخاطب دیوار نیست

یکی از نکات کلیدی در دیپلماسی رسانه‌ای، توجه به این واقعیت است که اظهارات یک مقام رسمی در یک رسانه خارجی، تنها به مخاطبان خارجی محدود نمی‌شود، بلکه به‌سرعت در داخل کشور نیز بازتاب پیدا می‌کند؛ چرا که بین مخاطب دیواری وجود نداشته و صدای عراقچی هم‌زمان با آمریکا به ایران نیز می‌رسد. مصاحبه عراقچی معلوم نیست اثر مثبتی در خارج داشته باشد، اما با این شرایط، اثر منفی در داخل را حتماً دارد. علاوه بر این، حتی اگر هدف مصاحبه تأثیرگذاری بر افکار عمومی آمریکا بوده باشد این سؤال به وجود می‌آید که آیا این تأثیرگذاری بر نفع ایران بوده یا به ضرر آن؟ زمانی که وزیر امور خارجه ایران به‌گونه‌ای صحبت می‌کند که انگار در حال دفاع از اتهامات است، این پیام به مخاطب آمریکایی منتقل می‌شود که ایران در موضع ضعیف قرار دارد و اتهامات مطرح‌شده علیه آن معتبر است. این امر نه تنها به تقویت موضع ایران کمکی نمی‌کند، بلکه به‌طرف مقابل امکان می‌دهد تا روایت خود را تثبیت کند و فشار های بیشتری اعمال کند.

کسی که باید در برابر اتهامات از خود دفاع کند ما نیستیم

یکی از انتقادات اصلی به مصاحبه عراقچی، لحن و رویکردی است که به‌نظر می‌رسد بیش از آنکه با هدف تبیین مواضع ایران باشد، به دنبال توجیه یا دفاع از سیاست‌های ایران در برابر اتهامات مطرح‌شده توسط مجری فاکس نیوز است.

این رویکرد، به‌ویژه در پاسخ به‌سؤالاتی درباره شعار «مرگ بر آمریکا» و راهبرد «ناپودی اسرائیل» به‌گونه‌ای بود که گویی ایران در جایگاه متهم قرار دارد و باید خود را تبرئه کند. حال آنکه تهدیدات ایران صرفاً واکنشی به اقدامات عملیاتی اسرائیل و آمریکا

تحمل یک آتش بس اجباری به اوکراین می‌شود؛ اما چند ماه بعد ترامپ مجدداً موضع خود را به حمایت از اوکراین تغییر داد و در مواردی نیز اظهارات تندی علیه پوتین مطرح کرد تا مشخص شود که میدان جنگ جایی نیست که رئیس‌جمهور آمریکا بتواند با کنار گذاشتن داده‌های اطلاعاتی و اهداف راهبردی صرفاً با تکیه به منافع سیاسی آن را تعیین تکلیف کند.

درک غلط از سیاست‌های امنیتی باعث شد تا بلافاصله بعد از مصاحبه روز سه‌شنبه عراقچی، ترامپ همان جملات وی را در شبکه تروث منتشر کرده و با استناد به آن ضمن ساختن روایتی پیروزی‌پروز بار دیگر یک موضع تهدیدآمیز را این‌گونه تکرار کند: «اگر نیاز باشد دوباره حمله به ایران را تکرار می‌کنم.» چنین مواضع منفعلانه‌ای باعث شد تا یک پیچ اسرائیلی نیز آن را به‌عنوان سند پیروزی اسرائیل منتشر کرده و مواضع ایران را بالحنی تهدیدآمیز به‌تسمخر بگیرد. این موضع‌گیری‌های طرف مقابل اثبات می‌کند که تن دادن به روایت پیروزی طرف مقابل لزوماً کاهش تنش را تضمین نکرده و چه‌بسا انگیزه‌های تبلیغاتی برای تشدید اقدامات تهاجمی را بیشتر کند.

ناکامی در تبدیل تهدید به فرصت

یکی از فرصت‌های کلیدی در مصاحبه با رسانه‌ای مانند فاکس نیوز، امکان انتقال پیام ایران به مخاطبان آمریکایی و به چالش کشیدن روایت‌های یک‌جانبه‌ای است که توسط رسانه‌های غربی ترویج می‌شود. با این حال، عراقچی در برخی موارد به‌جای استفاده از این فرصت برای تبیین اقدامات ایران به‌عنوان واکنش به تجاوزات آمریکا و اسرائیل، به پاسخ‌های دفاعی بسنده کرد. برای مثال، در پاسخ به سؤال مربوط به اتهام تلاش ایران برای ترور و مقامات آمریکایی، او به‌جای اشاره به اقدامات تروریستی آمریکا و اسرائیل، مانند ترور سردار سلیمانی و سایر فرماندهان نظامی جنگ ۱۲ روزه، ترور دانشمندان هسته‌ای، تلاش برای هدف قرار دادن



نیویورک تایمز با اعتراف به شکست راهبردی حمله به ایران، همبستگی مردم را مانع طرح ناآرامی تابستانی معرفی کرد

گرمازدگی آشوب



نشریه آمریکایی نیویورک تایمز اعتراف می‌کند که هدف از حمله به ایران، ایجاد آشوب داخلی بود و انتظار بر این بوده که پس از حمله اسرائیل و آمریکا به ایران، ناآرامی‌هایی در کشور ایجاد شود؛ اما نتیجه کاملاً بر عکس شده است. این نشریه اذعان می‌کند که مردم ایران در عین همبستگی و اتحاد با مشکلات پس از جنگ تعامل می‌کنند و نمتها شکافی در ملت ایران ایجاد نشده بلکه فاصله‌های میان گروه‌های اجتماعی و سیاسی کمتر نیز شده است. نیویورک تایمز پیش از این هم در گزارشی از هدف رژیم صهیونیستی در حمله به زندان اوین پرده برداشته بود. نویسندگان این گزارش نوشته بودند که اسرائیل در حمله به زندان اوین قصد ایجاد آشوب داخلی در ایران را داشت؛ اما در دستیایی به این مقصودش ناکام ماند و حتی روایت‌هایی از همبستگی و نوع دوستی زندانیان در کمک به آسیب دیدگان حمله منتشر شد.

در دنیای امروز، جایی که رسانه‌های غربی تلاش می‌کنند حملات نظامی و راهبردی علیه کشورهای مستقل را تحت‌الوای «پیروزی» به‌تصور بکشند. این اعتراضات نه تنها نشان‌دهنده ناکامی در دستیایی به اهداف از پیش تعیین شده است، بلکه بیانگر پیامدهای دقیقاً معکوس برای طراحان این تهاجم نیز است. در واقع، این گزارش‌های نیویورک تایمز و دیگر رسانه‌های آمریکایی مثل سی‌ان‌ان و سی‌ان‌بی‌سی مبنی بر موفقیت‌آمیز نبودن حمله اسرائیل و آمریکا در حمله به ایران سندی بر شکست راهبردی و ناتوانی دشمن در شکستن اراده ملی مردم ایران است.

شما می‌دانید ناسیونالیسم یعنی چه؟

یکی از نکات مهم گزارش نیویورک تایمز، تحول در فضای روانی-سیاسی ایران پس از تهاجم ۱۲ روزه است. بر خلاف تصور متجاوزان که انتظار بی‌تابی داخلی را داشتند، در ایران نوعی از همبستگی ملی و بازتعریف هویت ایرانی-اسلامی صورت گرفت. آنچه نیویورک تایمز با واژه «ملی‌گرایی مهندسی‌شده» توصیف می‌کند، در حقیقت یک واکنش طبیعی و خودجوش به حمله خارجی و تلاشی برای حفظ و حراست از هویت ملی است که احتمالاً صهیونیست‌هایی که عمر موجودیتشان به هشتاد سال نمی‌رسد، درکی از این گزاره ندارند. نویسندگان این گزارش، با نگرانی از این تحول، در یکی از بخش‌های مطلب خود می‌نویسند: «خشم عمومی از حمله‌ها» موجی از احساسات ملی‌گرایانه را برانگیخته و تبدیل به «سرمایه‌ای برای ایران» شده است. گزاره‌ای که به روشنی نشان می‌دهد دشمن نه تنها نتوانسته خللی در اراده ملت ایران ایجاد کند، بلکه با تحركاتش، به تقویت پیوندهای ملی در ایران کمک کرده است.

اتحاد؛ حتی در نمادهای ملی و مذهبی

یکی از ترس‌های اصلی و دیرینه رسانه‌های غربی، احیای پیوند مجدد نسل جوان ایران با عناصر عمیق هویتی، فرهنگی و تاریخی کشور است؛ حقیقتی که در این گزارش نیز

مقامات ارشد ایرانی و تهدید صریح به ترور رهبر انقلاب این اتهامات را به «گروه‌های تندرو» نسبت داد.

این رویکرد علاوه بر اینکه موضع طرف مقابل برای توجیه اقدامات تنش‌زایش را تقویت می‌کند کانون عملیات روانی را از وا‌اشنگتن به تهران منتقل می‌کند. این ناکامی در تبدیل فرصت به تهدید، به‌ویژه در شرایطی که ایران قربانی تجاوزات آشکار بوده است، یک خطای راهبردی محسوب می‌شود. وزیر امور خارجه می‌توانست با اشاره به اقدامات تروریستی آمریکا و اسرائیل توپ را به زمین حریف بیندازد و از مجری بخواهد که به‌جای اتهام‌زنی به ایران در باره مسئولیت کشورش در این اقدامات توضیح دهد. این رویکرد به مخاطبان آمریکایی نشان می‌داد که ایران در موضع مطالبه‌گری قرار دارد و اگر تهدیدی هم تاکنون از جانب ایران مطرح شده صرفاً واکنش به اقدامات تهاجمی طرف مقابل است نه کنشی تنش‌زا.

اثر که نمی‌گذارید هیچ مؤثران را هم خلع سلاح می‌کنید

در شرایطی که یکسک جریان جهانی در حمایت از فلسطین و در تقابل با سیاست‌های اسرائیل شکل گرفته است، انتظار می‌رود مقامات ایرانی با مواضعی قاطع منطق این جریان را تقویت کنند. با این حال، مواضع انفعالی عراقچی در این مصاحبه می‌تواند تأثیر معکوس داشته باشد. زمانی که وزیر امور خارجه ایران به‌جای تأکید بر جنایات اسرائیل و مطالبه‌گری در برابر تجاوزات این رژیم، به پاسخ‌های دفاعی و توجیهی روی می‌آورد بدنه خودجوش رسانه‌ای شکل گرفته در خارج در مقابل جریان تحریف این‌گونه به چالش کشیده می‌شود که وقتی ایران خود اتهامات را تأیید کرده یا از مواضع پیشینش عقب‌نشینی کرده است پس دفاعیات آن‌ها از مقاومت مردم منطقه در قبال اسرائیل و آمریکا زیاده‌روی بوده و آن‌ها نیز باید به مواضع مهم‌ترین حامیان محور مقاومت در منطقه تن داده و عقب‌بنشینند.

مسیر درست دیپلماسی رسانه‌ای

مصاحبه با رسانه‌های خارجی به‌ویژه رسانه‌ای محافظه‌کار مانند فاکس نیوز نیازمند آمادگی برای جلد رسانه‌ای است. مقامات ایرانی باید پیش از انجام چنین مصاحبه‌هایی با در نظر گرفتن سؤال‌های چالشی که تکراری بوده و قابل پیش‌بینی هم هستند پاسخ‌هایی آماده کنند که هم منطقی باشد و هم قاطع. این امر می‌تواند از افتادن در دام اتهامات و سوء برداشت‌ها جلوگیری کند. دیپلماسی رسانه‌ای باید به‌گونه‌ای طراحی شود که هم‌زمان به نیازهای مخاطب داخلی و خارجی پاسخ دهد. اظهارات مطرح‌شده نباید به قیمت تضعیف روحیه ملی یا کاهش اعتماد عمومی به سیاست خارجی کشور تمام شود. مقامات ایرانی باید پیش از انجام مصاحبه‌های بین‌المللی، تأثیرات احتمالی اظهارات خود بر افکار عمومی داخلی را به‌دقت ارزیابی کنند. به‌جای اتخاذ موضع دفاعی در برابر اتهامات، مقامات ایرانی باید با قاطعیت به اقدامات تروریستی و تجاوزکارانه طرف مقابل اشاره کنند و توپ را به زمین حریف بیندازند. دیپلماسی رسانه‌ای نیازمند حفظ تعادل بین انعطاف دیپلماتیک و اقتدار ملی است. اظهاراتی که بیش از حد انعطاف‌پذیر یا انفعالی به‌نظر برسند، می‌توانند به طرف مقابل این پیام را منتقل کنند که ایران در موضع ضعیف قرار دارد. چنین درکی باعث می‌شود تا طرف مقابل در میدان دیپلماسی نیز با انگیزه بیشتری برای کسب امتیازات زیاده‌خواهانه تلاش کند.



عمومی در ایران، بر خلاف انتظار غرب، از بازخوانی سرود «ای ایران» در مقابل رهبر انقلاب استقبال کردند و این موضوع بار دیگر ناکارآمدی تحلیل‌های غربی درباره تحولات اجتماعی در ایران را ثابت می‌کند. نیویورک تایمز همچنین می‌نویسد که در گذشته نیز در دوران بحرانی (مانند پایان جنگ تحمیلی) عناصر هویت ملی و نمادهای اسطوره‌ای در ایران وزن گرفته بودند. اما این بار، ابعاد ماجرا وسیع‌تر و عمیق‌تر است. ایرانی‌ها بارها در طول تاریخ پر افتخار خود نشان داده‌اند که در زمان خطر، اول وطن را حفظ می‌کنند و سپس به نقد و اصلاح می‌پردازند. این ویژگی، رمز پایداری و استقامت ملت ایران در برابر تمامی توطئه‌ها و تهاجمات خارجی بوده و خواهد بود.

زند اوین هم با هدف ایجاد آشوب بود

نیویورک تایمز پیش از این هم گزارش داده بود که اسرائیل با هدف ایجاد آشوب داخلی در ایران حملات هدفمندنی انجام داده است. به‌عنوان مثال در یکی از گزارش‌های مهم خود که در روز ۹ ژوئیه (۱۸ تیر ۱۴۰۴) منتشر کرد، تأکید می‌کند که حمله به زندان اوین صرفاً یک عملیات نظامی نبود، بلکه بخشی از یک پروژه ترکیبی اطلاعاتی - رسانه‌ای برای تحریک افکار عمومی، شعله‌ور کردن اعتراضات و کنش‌اندان بحران به داخل ایران بود. این گزارش با استناد به منابع اطلاعاتی غربی و تحلیل‌گران امنیتی می‌نویسد: «هدف اصلی از انتخاب زندان اوین، تحریک مستقیم زندانیان و خانواده‌های آنان برای شورش و ایجاد موج روانی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بود.»

گزارش نیویورک تایمز اذعان می‌کند که ساعاتی پیش از حمله، موجی از پست‌های هدفمند در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان منتشر شده بود که با هشتک‌هایی همچون «#آزادی‌اوین» و «#وقت‌قیام» مخاطبان را برای حضور در خیابان‌ها، شورش و آزادی زندانیان دعوت می‌کردند. در ادامه، تنها لحظاتی پس از وقوع انفجار در زندان اوین، ویدئوهایی با محتوای مشکوک در فضای مجازی منتشر شد که به وضوح، فرکانس‌هایی از یک ستاروی بی‌خواب کارانه ارسال می‌کرد. اما نیویورک تایمز در آن گزارش هم اعتراف می‌کند که حمله به اوین نه تنها آورده‌ای برای اسرائیل نداشت و هدف مدنظرش را محقق نکرد، بلکه خود نماد همبستگی شد. این روزنامه پیش از این گزارش روایتی اختصاصی به زبان فارسیی از تراژدی اوین منتشر کرده بود. در این گزارش نویسندگان ایرانی تبار اشاره کرده بودند که یکی از غر و آمیزترین بخش‌های حمله به زندان اوین، روایت همدلی و فداکاری زندانیان در دل حادثه بوده است. در لحظه اصابت موشک و فروریختن سقف، پزشک حاضر در ساختمان ملاقات به وزیر آوار می‌رود. اما زندانیان بدون لحظه‌ای تردید به کمکش می‌روند و او را از زیر آوار بیرون می‌کشند. این واقعه نمادی از همبستگی ملی و حس نوع‌دوستی عمیق در میان ایرانیان است که حتی در شرایط سخت زندان نیز فوران می‌کند. حمله به اوین، نه تنها به هدف دشمن برای ایجاد آشوب و تفرقه در میان زندانیان نرسید، بلکه به تقویت حس ملی‌گرایی و همدلی در یکی از حساس‌ترین مراکز کشور انجامید.

ایران حتی حاضر نشده‌اند محدودیت‌های بیشتری را بپذیرند، از جمله محدودتر شدن دسترسی به اینترنت.»

یکی از اهداف اصلی آمریکا و رژیم صهیونیستی از این حمله، تحریک مردم ایران به شورش و براندازی بود. دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو به‌صراحت از مردم ایران خواستند «علیه حکومت برخیزند». اما طبق گزارش نیویورک تایمز، حتی منتقدان سرسخت دولت ایران نیز در برابر این درخواست هاسکوت کردند یا حتی با آن مخالفت کردند. به‌عنوان نمونه، بیش از ۴۵۰ نفر از چهره‌های داخلی و خارجی، از جمله کسانی که پیش از این مواضع ضدایرانی داشتند، بیانیه‌ای علیه اینترنت‌شال منتشر کردند و این شبکه صهیونیستی را تحریم کردند. این اقدام، نشانه‌ای از هوشمندی و درک عمیق ملت ایران از توطئه‌های دشمن است. در بخشی از گزارش نیویورک تایمز، شخصی به نام «الیدا» که در تهران زندگی می‌کند، می‌گوید: «به من بر می‌خورد که کشوری خارجی بیاید و خاکم را بمباران کند. این برنامه هسته‌ای، شاید رؤیای من نباشد، اما بخشی از سرزمین من است.» این جمله، خودسندی محکم بر شکست راهبردی دشمن در تحریک افکار عمومی و حاکی از تعلق خاطر عمیق مردم به تمامیت ارضی و استقلال کشورشان است.

افکار عمومی از «ای ایران» استقبال کردند

یکی از محورهای مهم تحلیل نیویورک تایمز، بحث درباره ماهیت این «ملی‌گرایی جدید» است. برخی آن را مهندسی‌شده، برخی دیگر آن را ناشی از ترس می‌دانند، اما واقعیت غیر قابل انکار این است که دشمن به هدف اصلی خود یعنی تضعیف انسجام ملی دست نیافته است. این روزنامه می‌نویسد افکار

